

شیوه تحلیل سیاسی / نامه تسلیم (۴)

متأسفانه آنکه «در داخل کشور ما مجموعه‌های سیاسی‌ای هستند که تحلیلشان این است؛ می‌گویند وقتی که طرف خیلی چهره‌ی سگی از خودش نشان می‌دهد، شما عقب بنشینید! خوب، شما این را قبول دارید؟ عقب بنشینیم؟ یا نه؛ معتقدید که هرگونه عقب‌نشینی، طرف را تشویع می‌کند. بمجردی که دیدند شما با احم می‌ترسید، می‌گویند آقا احم کنید؛ علاج این آدم احم است. بمجردی که دیدند تهدید به کتک یا خود کتک، شما را به عقب‌نشینی وادار می‌کنند، می‌گویند دو تا بیشتر بزن تا خوب از همه‌ی حرف‌هایش دست بردارد. طرف، اینجوری است. محاسبات دنیا این است.» (۳۱/۰۵/۱۳۸۹)

حمایت از کالای ایرانی
تابوساسی
انعکاس آخرین تحلیلهای و مواضع رسانه‌ها و جریانها
BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۶۴۹ / دوشنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۷

نه استیضاح نه چک سفید تعامل با دولت برای تأمین مطالبات ملت

کیهان: آیا اکنون مسئله مهم، استعفای روحانی و دولت است، چنانکه سیاست‌بازانی مانند حسین موسویان -عضو اولین تیم مذاکره‌کننده روحانی و محکوم شده به جرم ارائه اطلاعات به بیگانگان مقیم آمریکا- و حجاریان گفتند؟ جریانی که می‌خواهند ناکارآمدی نسخه اعتماد به دشمن و بی‌اعتمادی به ظرفیت‌های ملی پس از پنج سال واگذاری انواع امتیازها را پشت مظلوم‌نمایی و ادا و اطوار قهر و استعفا پنهان کنند یا در حالی که عرصه کاملاً بر آنها تنگ شده و در مظان اتهام و بدگمانی افکار عمومی قرار دارند، برای رادیکالیسم جدید میدان مانور باز کنند. جریانی که به اعتبار همپوشانی با دشمن می‌خواهند مانع از تمرکز ملی بر جبهه‌بندی در برابر دشمن شوند و مجدداً در میان مردم و درون حاکمیت صف‌بندی و درگیری باشد. فارغ از صحت انتقادات و اعتراض‌های منتقدان دلسوز، باید دید آیا وقت برخورد با بدعملی‌ها و خطاهای بزرگ دولت روحانی شرایط فعلی است یا در اینجا پای قاعده اهم و مهم به بحث باز می‌شود و اینکه مصلحت و تکلیف بالاتر کدام است؟ ادبیات آقای روحانی ظرف چند روز اخیر تا حدودی تغییر کرده است. او از لزوم ایستادگی و عدم تسلیم مقابل آمریکا و حفظ عزت ملی سخن می‌گوید.

تبدیل «سال براندازی» به «قرن براندازی»!

وطن امروز: یکی از اهداف مشخص منافقین از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی که همواره در فعالیت‌های تشکیلاتی این سازمان تعریف شده، تلاش برای تجمیع نیروها، عناصر ضدانقلاب و هر جریان و محفلی است که زمینه معاندت با اسلام و انقلاب را دارد. لذا با توجه به شروع این اقدامات از سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ باید این نکته را مدنظر قرار دهیم که رویه تقابل منافقین با انقلاب را باید ضمن دارا بودن یک عقبه

فکری در ۳ مرحله (۱۳۴۴ تا ۱۳۵۰، ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ و در نهایت ۱۳۵۷ تاکنون) در نظر گرفت. منافقین از ابتدای انقلاب همواره به دنبال کسب رهبری مردم و در عین حال سامان دادن و موجه نشان دادن خودشان برای غربی‌ها به بهانه براندازی نظام بوده‌اند. سازمان از سال ۵۷ تا شروع جنگ مسلحانه در جمع‌های محدود نیروهای داخلی و پس از آن تا دوره کنونی، هر سالی را که از آن عبور کردیم، سال براندازی جمهوری اسلامی معرفی کرده است و این رویه به جایی رسید که مریم رجوی سال ۹۳ طی سخنرانی در نمایش سالانه ویلپنت، قرن ۲۱ را قرن براندازی جمهوری اسلامی معرفی کرد! معرفی قرن بیست و یکم به عنوان قرن براندازی با این هدف در دستور کار قرار گرفت تا سازمان را از ادعای مضحک هر ساله درباره تغییر نظام در ایران و عدم تحقق چنین وعده‌ای در ۳ دهه که با ریزش شدید نیروهای سازمانی منافقین همراه بود، راحت می‌کرد.

چه شد آن امید فراوان؟

شرق: زمانی که متن نهایی برجام پس از گفت و گوهای طولانی و امیدها و نویدی‌ها به امضا رسید، فقط ایرانیان نبودند که کابوس تحریم‌ها را پایان یافته انگاشتند و پایکوبان به خیابان‌ها ریختند. اخبار برجام در رأس اخبار جهان قرار گرفته بود و شرکت‌های کشورهای که تا دیروز در مذاکرات برجام بر سر کوچک‌ترین واژه‌ها و امتیازات چانه می‌زدند، برای اینکه از دیگران عقب نمانند، با شتاب نمایندگان خود را برای امضای تفاهم‌نامه‌ها و تمایل‌نامه‌های گوناگون درباره اجرای پروژه‌هایی که آنها را در «بازار بکر ایران» سودبخش تشخیص داده بودند، به ایران اعزام کردند. هواپیماها انباشته بودند و هتل‌ها جای خالی نداشتند. اکنون نیز ترامپ با به کارگرفتن وزیران و کارگزارانی که از خودش تندروتر هستند و با به راه‌انداختن تبلیغات وسیع، درحالی که ایران به همه تعهدات هسته‌ای خود طبق برجام عمل کرده است، با حمایت از نتانیاهو که در جهان دوره افتاده و علیه ایران تبلیغ می‌کند، به بهانه اینکه اکنون ایران به جای تهدید اتمی موجودیت اسرائیل را با تولید و آزمایش و تبلیغات موشکی تهدید می‌کند و این کار با «روح برجام» منافات دارد، بدون توجه به اینکه اسرائیل عملاً ده‌ها بمب اتمی و تهدیدهای بالقوه آن را در اختیار دارد، خروج غیرمسئولانه خود را از برجام اعلام کرده است.

الزامات مقابله با جنگ اقتصادی

خراسان: ۱- پذیرش جنگ اقتصادی: قبل از هر چیز، به نظر می رسد همه ما اعم از مردم و مسئولان باید بپذیریم که وارد جنگ اقتصادی شده ایم و آن چه پیش آمده به معنای واقعی اعلام وضعیت جنگی است،

۲- کنار گذاشتن حب و بغض های سیاسی: مخالفان و منتقدان دولت نباید به طرح عدم کفایت دولت یا استیضاح یا استعفای رئیس جمهور دامن بزنند و اساساً بهتر است این پیشنهاد را منتفی دانست.

۳- تشکیل قرارگاه جنگ اقتصادی: در وضعیت فعلی اقتصادی به نظر می رسد باید شرایط اضطراری اقتصادی اعلام و قرارگاه و ستاد جنگ اقتصادی ایجاد شود به گونه ای که تمام ظرفیت های دولتی، خصوصیتی و خصوصی ذیل مدیریتی واحد، تجمیع شوند و فعلاً قواعد اقتصاد بازار آزاد عرضه و تقاضا را کنار بگذاریم حتی به قیمت تولی گری. ۴- مدیریت انقباضی منابع: منابع موجود، سخت گیرانه و با توجه ویژه به اقشار مستضعف و آسیب پذیر و تولید کنندگان، مدیریت شوند و از هرگونه سیاستی که هزینه سبد واقعی خانوار را افزایش می دهد ممانعت به عمل آید و به این نکته توجه شود که با یارانه کافی به کسب و کارها، سبد خانوار در وضعیت بدتری قرار نگیرد. ۵- برخورد بی اغماض با اخلاطگران اقتصادی

دانه درشت: واقعیت این است که مردم حس می کنند که با دانه درشت های یقه سفید ژن خوب آن چنان که باید، برخورد نمی شود. درست یا غلط این حس امروز مردم است به نظر می رسد برای ترمیم اعتماد مردم باید با اخلاطگران اقتصادی برخورد شدید شود همچون برخورد با ستون پنجم دشمن در زمان جنگ، طبعاً در میدان این مبارزه برخورد با متخلفان دانه درشت یقه سفید برخوردار از ژن خوب اجتناب ناپذیر و البته همراه با فشار و جنگ های روانی خواهد بود که به نظر می رسد اطلاع رسانی، شفاف سازی و پرهیز و سواس گونه از نیفتادن در دام انتقام گیری های سیاسی راه گذر از این گردنه سخت خواهد بود، از طرفی لازم است با رانت های اطلاعاتی که هموار کننده مسیر این متخلفان هستند برخوردی جدی شود. ۶- الزام همگان به رعایت انسجام داخلی: افزایش انسجام داخلی و آن چه که رهبر معظم انقلاب نیز در سخنرانی اخیرشان در دانشکده افسری سپاه بیان کردند « افزایش روز به روز پیوند با مردم » یکی از نکات کلیدی پازل مقابله با شرایط اضطراری است که هم اینک کشور درگیر آن است.

سیاهه برندگان دلار ۴۲۰۰

دنیای اقتصاد: روز گذشته لیست بخشی از واردکنندگان با قیمت رسمی ارز منتشر شد. در این فهرست میزان ارز دریافتی هر شرکت به تفکیک برای واردات هر کالا ارائه شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشترین ارز تخصیصی برای واردات کالاهای استراتژیک چون «ذرت برای خوراک دام» و «دانه سویا» صرف شده است. همچنین سهم ارز حاصل از فروش نفت، معادل ۹۰ درصد از کل ارز دریافتی واردکنندگان بوده است. این لیست نکات جالب کم نداشت. واردات چای ساز و قهوه ساز از سوی شرکت‌های خودرویی، واردات بخارشوی از سوی شرکت دارویی یا واردات لوییا چیتی توسط شرکت واردکننده پارچه، از معروف‌ترین پارادوکس‌های موجود در فهرست بانک مرکزی بود. اگر رانتی در حال توزیع است، حقوق شهروندی ایجاب می‌کند که اطلاعات به شکل عمومی افشا شود و عموم بدانند که دلار رانتی به چه شخص حقیقی یا حقوقی داده شده است. نکته بعد در مورد هدف انتشار لیست است، در حقیقت انتشار لیست دریافت‌کنندگان به تنهایی مهم نیست. در عوض باید با توجه به موقعیت رانتی، لیستی از کل ثبت سفارش‌ها اعلام شود تا همگی بدانند چه شرکت‌هایی موفق به دریافت ارز دولتی شدند و چه شرکت‌هایی از این قافله جا مانده‌اند. با این شیوه دلار رسمی از انگ رانتی می‌تواند تمیز شود. دولت با پخش رانت صف‌های زیادی را باعث می‌شود. اما پس از تخصیص رانت، فهرست دریافت‌کنندگان را اعلام عمومی می‌کند و خود را از بازی کنار می‌کشد. رفتار دولت به مانند شکارچی است که به دنبال شکار است، منتها در اینجا شکار فعالان اقتصادی هستند که خارج از چارچوب قانون فعالیتی نکرده‌اند. این کار در نهایت موجب ایجاد یک شکاف بین مردم و فعالان اقتصادی می‌شود.

